

یادنامه ابوالفضل رشید الدین میبدی

صاحب تفسیر
کشف الاسرار و غذّة الابرار

شامل:
مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت میبدی

جلد اول
(الف - س)

به کوشش:
دکتر یدا الله جلالی پندری

بزد، ۱۳۷۸

این کتاب با همکاری و سرمایه
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد و
مرکزیزد شناسی
انتشار یافت.

یدنامه ابوالفضل رشید الدین مبیدی (جلد اول)

به کوشش: دکتریدالله جلالی پندری

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۷۸

ناشر: انتشارات یزد

حروفنگاری: انتشارات یزد

شمارگان (تیراز): ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: کیانا

صحافی: نوین

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۶۵۴۱-۲۸-۳

شابک دوره ۲ جلدی: ۹۶۴-۶۵۴۱-۳۰-۵

فهرست مطالب

- ◆ پیشگفتار «پنج»
- ◆ یاد خداوند و راز حروف مقطعه در نظرگاه مبیدی ذکریا اخلاقی ۱
- ◆ کشف الاسرار در میزان تقد عربی صاحبعلی اکبری ۲۱
- ◆ بازنگری تصحیح متن نوبت اول سید محمود الهام بخش ۳۲
- ◆ کشف الاسرار مبیدی و کالبدشناسی انسانی محمدعلی امامی مبیدی ۵۵
- ◆ تفسیر عرفانی و وجهه کشف الاسرار رضا انزالی نژاد ۶۶
- ◆ اهل بیت (ع) در تفسیر کشف الاسرار بنیاد باقرالعلوم (ع) ۷۹
- ◆ زندگانی، آثار، آراء و عقاید مبیدی بنیاد باقرالعلوم (ع) ۹۹
- ◆ قرائات قرآن در تفسیر کشف الاسرار رمضان بهداد ۱۳۴
- ◆ حافظ شیراز و کشف الاسرار مسیح بهرامیان ۱۴۵
- ◆ [جلوهای ولایت در تفسیر کشف الاسرار محدثامین پورامینی ۲۹۵]
- ◆ بررسی روایات کشف الاسرار بهروز ثروتیان ۱۶۳
- ◆ نگاهی مردم‌شناختی به تفسیر مبیدی محمدسعید جانب‌اللهی ۱۸۱
- ◆ احادیث نبوی و مقامات عرفانی در کشف الاسرار ناصر جان‌ثاری ۱۹۱
- ◆ لزوم تصحیح دوباره کشف الاسرار عزیزالله جوینی ۲۰۷

کشف الاسرار در میزان نقد عربی

صاحبعلی اکبری

دانشگاه تربیت معلم سبزوار

زبان و ادبیات عرب دریابی است خروشان و مملو از درّ و مروارید گرانها. دستیابی به اشیاء گران قیمت آن شناگری ماهر می‌طلبد. دامنه این زبان بقدری وسیع و گسترده است که بی‌اطلاع از علوم مختلف آن از قبیل: صرف، نحو، لغت، اشتقاق، کتابت، قرائت، تجوید، معانی، بیان، بدیع، شعر، انشاء، امثال و تاریخ ادب، نمی‌توان از منبع سرشار آن استفاده کرد. چراکه بی‌دقّتی و عدم تسلط در این علوم، اشتباه و خطأ بدبال خواهد داشت و احیاناً این اشتباه دامنگیر علمای بزرگ نیز می‌شود. وقتی ابن‌هشام انصاری از عالم و مفسر نامداری همچون «زمخشري» در تفسیر آیه شریفه «فیه آیات بینات مقام ابراهیم ...»^۱ اشتباهی را می‌گیرد؛ پس دیگران بطريق اولی دچار چنین اشتباهی خواهند شد.^۲

گسترگی و وسعت این زبان در قرآن کریم، کاملاً مشهود است. زیرا زبان و ادبیات عرب در اوج فصاحت و بلاغت در این کتاب آسمانی، خودنمایی می‌کند. بنابراین کسانی که دست به تفسیر این معجزه پامبر اسلام (ص) می‌زنند، بی‌شك باید در علوم مختلف زبان عربی، تسلط کافی داشته باشند. چراکه کلام، کلام غیر بشر است. مفسّرین با احاطه

کامل بر علوم مختلف، اقدام به چنین کاری می‌کنند که سعی و تلاش آنان مشکور است. بخاطر گستردگی این زبان است که هر مفسّری جنبه‌ای از جنبه‌های متعدد را در نظر می‌گیرد. مثلاً یک تفسیر به ادبی بودن، دیگری به فلسفی بودن و غیره معروف است. تفسیری که تمامی جنبه‌ها را بطور کامل بررسی کرده باشد، تقریباً وجود ندارد.

اماً در مورد تفسیر ارزشمند *کشف الاسرار* و *عدة الابرار*، آنچه معروف است، عرفانی بودن آن می‌باشد. نگارنده در این مقاله مختصر، با بررسیهای اجمالی به عمل آمده، علاوه بر امتیازات دیگر، نکاتی طریف و قابل تأمل را از نظر ترجمه و از نقطه نظر بلاغت و قواعد عربی بدست آورده است که از نظرتان می‌گذرد:

۱- در آیه شریفه: «وَكُلُوا وَاشربُوا حتَّى يَبْيَّنَ لَكُمُ الْخِيطُ الْأَيْضُ منَ الْخِيطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ اتَّقُوا الصِّيَامَ إِلَى الظَّاهِرِ وَلَا تَبْشِّرُوهُنَّ وَإِنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ»^۳ حالیه و جمله «انتم عاكفون في المساجد» در محل نصب و حال می‌باشد.^۴ در ترجمه این آیه، صاحب تفسیر *کشف الاسرار* کاملاً دقت داشته و چنین گفته است: «... و به زنان خود مرسید تا معتکف باشید در مسجدها».^۵

ترجمه واو حالیه در اینجا به معنی، خیلی کمک می‌کند. چرا که هنگام اعتکاف، در مساجد، همبستر شدن با زنان را نهی کرده است. حال آنکه در ترجمه «الهي قمشه اي»، این مسئله دقیق، نادیده گرفته شده و چنین ترجمه شده است: «او شما باشید معتکفان در مسجدها». همین مسئله در تفسیر *مجمع البيان* نیز به دقت آمده است. بطوری که می‌گوید: «وَإِنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ، أَيْ مَعْتَكِفُونَ أَيْ لَا تَبْشِّرُوهُنَّ فِي حَالِ اعْتِكَافِكُمْ فِي الْمَسَاجِدِ»^۶ همچین در ترجمه انگلیسی از قرآن کریم، با آوردن کلمه (While)، واو حالیه کاملاً مدعّ نظر بوده است که نهایت دقت مترجم را می‌رساند.^۷

۲- در آیه شریفه «يَجْعَلُونَ أَصْابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّواعِقِ حَذَرُ الْمَوْتِ»^۸ در آوردن «اصبع» بجای «اذانم»، مجاز مرسل است که کل را ذکر کرده و منظور جزء است. هدف از آوردن مجاز مبالغه است.^۹ این نکته بلاغی را صاحب *کشف الاسرار* نیز چنین ذکر می‌کند: «چرا اطلاق اصابع کرد در محل اذانم؟ از جهت مبالغه».^{۱۰}

۳- یکی از مسائلی که مورد بحث بیشتر علماء قرار گرفته است، اشتقاق کلمه «اسم» است. و این یکی از ۱۲۱ مسئله‌ای است که علمای بصره و کوفه در آن با هم اختلاف

دارند. کوفیان معتقدند این کلمه از «وَسْمٌ» به معنای علامت مشتق شده است؛ و بصریها معتقدند از «سَمْوٌ» به معنای علوٰ گرفته شده است.^{۱۱} مؤلف تفسیر کشف الاسرار، با عنایت به نظر بصریها اشتباق این کلمه را از «سَمْوٌ» ذکر می‌کند.^{۱۲}

۴- عمل کردن شبہ فعل‌ها را بطور دقیق در ترجمه رعایت کرده است. مثلاً عمل کردن مصدر را در آیه شریفه «و قتلهم الانبیاء» که انبیاء مفعول به است برای مصدر (قتل)، کاملاً رعایت کرده و چنین گفته است: «و كشن ایشان پیغامبران را».^{۱۳}

۵- استفاده از خبر بجای انشاء در ترجمه کشف الاسرار از دیگر خصوصیات آن است که این خود در بلاغت مورد بحث علماء قرار گرفته است. مثلاً در ترجمه آیه شریفه «ذوقوا عذاب الحريق»^{۱۴}، فعل «ذوقوا» که انشای طلبی از نوع امر است. بدین صورت ترجمه شده است: «می‌چشید عذاب آتش»^{۱۵} و یا در بعضی از موارد امر از غرض اصلی خارج شده و به معنای نومیدی است که هدف در این آیه همان است و مورد عنایت میدی نیز قرار گرفته است.^{۱۶}

۶- در زبان عربی «أن» حرف مصدر است؛ و فعل مابعد خود را به تأویل مصدر می‌برد.^{۱۷} این مسأله را صاحب تفسیر کشف الاسرار در ذیل آیه «بیین الله لكم ان تصلوا»^{۱۸} یادآور شده و گفته است: «ان تصلوا به جای مصدر است یعنی: بیین الله لكم الصلاة، الله شما را گمراهی روشن می‌کند».^{۱۹}

۷- ترجمه موصول باصله که جمله طولانی است، بصورت اسم فاعل و بطور مختصر ترجمه گردیده است. مثلاً:

- «الْيَوْمَ يَشْئُونَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ - امروز کافران نومید شدند از بازگشتن شما از دین اسلام».^{۲۰}

که بجای کسانی که کافر شدند، بطور مختصر کافران بکار برده است.

- «يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا - وَمُؤْمِنَاتٍ مَّى گفتند».^{۲۱} که مؤمنان را بجای کسانی که ایمان آورده‌اند، بکار برده است.

و در بعضی موارد نیز موصول و جمله صلیه را به شکل "ایشان که" ترجمه کرده است. مثلاً:

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا - ای ایشان که بگرویدند».^{۲۲}

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا - ایشان که کافر شدند».^{۲۳}

۸- در تفسیر آیه: «یوم يجتمع الله الرسل فيقول ماذا اجبتم قالوا لا علم لنا انک انت علام الغیوب»^{۲۵}، می گوید: «این سؤال برای توضیح است. یعنی که از پیغامبران سؤال کند تا امت را بدان توضیح کند، چنانکه جای دیگر گفت: و اذا المؤودة سئلت بأى ذنب قتلت، ألمَّا تسئل ليوئخ قاتلوها»^{۲۶}. در اینجا به یک نکته بлагی اشاره کرده است و آن این که استفهام یکی از اقسام انشاء طلبی می باشد که گاهی از غرض اصلی خود خارج شده و برای توضیح بکار می رود. و دیگر اینکه اسلوب زبان عربی بدین صورت است که کسی را خطاب می کند و منظورش دیگری است. و در این رابطه ضربالمثل معروف می گوید: «إِنَّكَ أَعْنَى وَأَسْمَى يَا جَارَة». در آیات دیگر هم این اسلوب وجود دارد که بدون فهم این نکته، ترجمه و تفسیر آیات مشکل خواهد بود:

- به پیامبر خطاب شده است: «ولَا تُطِعُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ»^{۲۷}. پیامبر که از کافرین و منافقین اطاعت نمی کرد. اینجا خطاب به امت است.

- در آیه «اتبع ما اوحی اليك من ربک لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین»^{۲۹}، از آنجایی که پیامبر از مشرکین اعراض می کرد، خطاب خداوند به امت است. بنابراین به این نکات طریف صاحب تفسیر کشف الاسرار توجه کامل مبذول می دارد.

۹- در آیه شریفه: «اذ قال الحواريون يا عيسى بن مریم هل يستطيع ربک ان ينزل علينا مائدة من السماء»^{۳۰}، کلمات را بدقت ترجمه کرده و از آنجایی که «يستطيع» در اینجا به معنای «يستجيب» است. چون در خداشناسی حواریون جای شک و شبہ نیست و به قدرت خدا آشنا بودند، هدف اینها اجابت بود. با اشاره به این مورد می گوید: «این طاعت اینجا، به معنی اجابت است»^{۳۱}; و نمونه دیگری از قول شقيق بن سلمة الاسدي نقل می کند: «نعم الرب ربنا! لو اطعناء ما عصانا» و یا «اللهم احفظنى بالاسلام قائماً و احفظنى بالاسلام قاعداً و احفظنى بالاسلام راقداً و لاتطبع فني عدواً حاسداً»^{۳۲} که «لاتطبع» را به معنی «لاتجب» ذکر کرده و این نهایت دقت وی را می رساند و یک نکته بлагی نیز در ذیل همین آیه ذکر می کند و می گوید: «اجابت از آن طاعت خوانند که دعا در لفظ فرمان بود». لازم به توضیح است که معنای واقعی امر و نهی وقتی است که دو شرط داشته باشد: یکی اینکه از مقام بالا به پایین صورت بگیرد و دیگر اینکه استلزم در کار باشد. در غیر اینصورت صیغه امر و نهی بخطاطر نکات بлагی از معنای اصلی خود خارج شده است. مثلاً اگر از پایین به بالا صورت بگیرد، دعاست نه امر و یا نهی. و در

عبارات مذکور نیز چون از بنده به خداوند خطاب شده است در اینجا دعا می‌باشد، در آیات دیگر نیز این موارد بیشتر بچشم می‌خورد مثلاً:

۳۴- «رَبَّنَا أَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَ قَنَا عَذَابَ النَّارِ.»

۳۵- «رَبَّنَا أَفْرَغَ عَلَيْنَا صَرْبًا وَ ثَبَّتَ أَقْدَامَنَا وَ انصَرَنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.»

۳۶- «رَبَّنَا لَا تُرْغِبْنَا بَعْدَ اذْهَبْنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لِدْنِكَ رَحْمَةً انْكَ اَنْتَ الْوَهَابُ.»

۳۷- «رَبَّنَا لَا تَوَلْنَا اَنْ نَسِينَا او اخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْنَا عَلَيْنَا اصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْنَا مَالًا طَاقَةَ لَنَا بَهْ وَاعْفْ عَنْنَا وَاغْفِرْنَا وَ ارْجِنَا اَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.»

۳۸- «قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.» در آیات مذکور چون صیغه‌های امر و نهی بکار رفته، از بنده به سوی خداست، لذا نه استلزم در کار است و نه استعلاء وجود دارد، بنابراین دعاست نه امر و نهی.

۱۰- در ترجمه آیه شریفه: «وَ اذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى بْنَ مُرْيَمَ أَنْتَ قَلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ اتَّمِي
اَهْلِي مِنْ دُونِ اللَّهِ». ۳۹ فعل «قال» چون بعد از «اذ» طرف زمان قرار گرفته است و «اذ» در اینجا به معنی استقبال است؛ بطور دقیق با در نظر گرفتن معنای آینده چنین ترجمه کرده است: «خدا خواهد گفت فردا در قیامت تو گفتی مردمان را مرا که عیسی ام و مادرم را میریم، هر دو خدایان دانید و به خدایی گیرید فرود از الله». ۴۰ و این زمان آینده حتی در قرآن ترجمه انگلیسی نیز با عبارت «Allah will say» رعایت شده و این دقت مترجم را می‌رساند. ۴۱ و ذکر می‌کند که «اذ» در این آیه به معنای «اذا» است. چنانکه گفت: «ولو تری اذ فزعوا» یعنی اذا فزعوا، و «قال» به معنی «یقول» است. چنانکه گفت: «و نادی اصحاب الاعراف ای ینادی». ۴۲

۱۱- استعاره حروف بجای همدیگر، یکی دیگر از بحثهای علم بیان است. مثلاً در آیات شریفه: «وَلَا صَلَبَنَّكُمْ فِي جَذْوَنِ النَّخْلِ» و «وَلَا تَمِشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا»، حرف «فی» بجای «علی» استعاره گرفته شده است. و از نوع استعاره تبعیه است. زیرا بر درخت خرما می‌بندند، نه در درون درخت. نیز روی زمین راه می‌روند نه در درون زمین. حرف «فی» در این آیات معنای «علی» دارد. و این است استعاره حرف بجای حرف. ۴۳ صاحب تفسیر ارزشمند کشف الاسرار نیز به این مسأله بلاغی اشاره کرده و در ذیل آیه «لو تری اذ ۴۴ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ»، می‌گوید: «علی به معنی فی است. کقوله تعالی: «علی ملک سلیمان»

ای فی ملک سلیمان، و معنی آن است که: حبسوا فی النار». ^{۴۷}

۱۲- در آیه شریفه: «و ما يعذب عن ربک من مقال ذرۃٍ فی الارض و لا فی السماء و لا اصغر من ذلك و لا اکبر من ذلك و لا اکبر الاً فی كتاب مبین»^{۴۸}. در مورد اعراب کلمات «اکبر» و «اصغر» بحث می‌کند که مرفوع بخوانیم و یا منصوب. در مورد وجه نصب می‌گوید: «الموضع موضع خفض الاَّه فتح لانه لا ينصرف»^{۴۹} که اعراب غیر منصرف در حالت جزئی نیابی و به فتحه است که این نکته ظریف مورد عنایت مبیدی قرار گرفته است.

۱۳- در علم صرف مطرح می‌شود که کلماتِ بر وزن «فعیل»، گاهی به معنای فاعل و گاهی به معنای مفعول به کار می‌روند. مثلاً: کلمات جریح و قتیل به معنای مجروح و مقتول هستند و کلمة شفیق به معنای فاعلی آن بکار می‌رود. این نکته را مبیدی در ذیل آیه کریمه: «الا ان اولیاء الله لا خوف عليهم و لا هم يحزنون»^{۵۰}، چنین ذکر می‌کند: اولیاء، جمع ولی است و ولی بر وزن فعال است. مبالغه من الفاعل و هو من توالٰت طاعاته من غير ان يتخللها عصيان، و روا باشد که فعال به معنی مفعول بود همچون جریح و فیل. فیکون الولی من يتوالى عليه احسان الله و افضاله».^{۵۱}

۱۴- در بعضی موارد وقتی که قرینه در جمله وجود دارد، حذف صورت می‌گیرد. یکی از این موارد، حذف مبتداست. مبتدا در چند مورد واجب الحذف است که یکی از این موارد، وقتی است که خبر آن، مصدر جانشین فعلش باشد. مثل: «صبرٌ جميلٌ» و «سمع و طاعةٌ» که در اصل: صبری صبرٌ جميل و امری سمع و طاعة، می‌باشد.^{۵۲} مبیدی این نکته را در ذیل آیه شریفه: «قال بل سؤلت لكم انفسكم امراً فصبرٌ جميلٌ»^{۵۳}، چنین ذکر می‌کند: «ای فامری صبرٌ جميلٌ».^{۵۴}

۱۵- حذف جواب شرط، یکی دیگر از مسایل نحوی مورد اشاره مبیدی در تفسیر کشف الاسرار است. در ذیل آیه شریفه: «قالت مریم ائمَّي اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقیاً»^{۵۵}: می‌گوید: «مریم که جبریل را دید در آن خلوتگاه جوانی زیبای نیکوروی، ظن برد که وی طالب فساد است. گفت: «اعوذ بالرحمن منك» ای - التجی الى الله و اسئلله ان یعیننی مما اخاف من جهتك. آنگاه گفت: «ان كنت تقیاً»، جزاء شرط اینجا محذوف است. یعنی: ان كنت مسلماً مطعیاً لله فاخرج عنی و لا تتعرض بی.^{۵۶} و به معنای «ان» نیز توجه کرده و می‌گوید: (و روا باشد که ان به معنی ماء نفی بود ای «ما کنت تقیاً»).^{۵۷} در آیات متعدد دیگر نیز «ان» بصورت حرف نفی بکار رفته است. مثلاً:

- «إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غَرْوَرٍ»^{۵۸}
- «إِنَّ أَمْهَاتِهِمْ إِلَّا لَالَّا وَلَدَنَّهُمْ»^{۵۹}
- «وَإِنْ مَنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا يَؤْمِنُ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»^{۶۰}
- «إِنْ مَنْكُمْ إِلَّا وَارْدَهَا»^{۶۱}
- «إِنْ أَرْدَنَا إِلَّا حَسْنِي»^{۶۲}
- «إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَنَّا نَأْنَى»^{۶۳}
- «وَتَظَنُّونَ إِنْ لَيَشْتَمِ إِلَّا قَلِيلًا»^{۶۴}
- «إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا»^{۶۵}

که در تمامی آیات مذکور «إن» حرف نفی می باشد.

۱۶- ترجمه آیات در تفسیر کشف الاسرار، بصورت تحتاللفظی است. هر چند که ترجمه تحتاللفظی باعث می شود که تک تک کلمات ترجمه شود، ولی گاهی این مسأله باعث انحراف می گردد. به یک نمونه اشاره می گردد: کلمه «أخت» در زبان عربی، فقط به معنی خواهر نیست، بلکه به معنای شبهه و نظیر نیز آمده است. این مسأله در ترجمه آیه شریفه: «يَا أُخْتَ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرًا سُوءً وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بُغْيَةً»^{۶۶} نادیده گرفته شده و چنین ترجمه شده است: «ای خواهر هرون پدر تو مردی بد نبود، و مادر تو زانیه نبود و بلیدکار»^{۶۷}. لازم به توضیح است که در این آیه، منظور، مریم مادر حضرت عیسی (ع) در ورع شبهه هرون بود از کلمه «أخت» استفاده شده است. این مسأله را اکثر مترجمین قرآن کریم، از جمله میبدی، نادیده گرفته‌اند.

۱۷- در آیه کریمه: «وَ قَالُوا مَا هَذَا الرَّسُولُ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَ يَعْتَشِ فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ اللَّهُ مَلِكُ الْعَالَمِينَ لَهُ نَذِيرًا»^{۶۸}، «لَوْلَا» به معنای «چرا» است و فاء سبب نیز در «فيكون» در جواب استفهام آمده است.^{۶۹}

در ترجمه این آیه، میبدی دقت کرده و چنین گفته است: «وَ گَفِتَنَدْ [مشرکان مکه] چیست این فرستاده را که خورش می خورد، و در بازارها می رود چرا فریشته [آشکارا] با او فرستاده نیست تا با وی هم آگاه کننده بود و ترساننده».^{۷۰}

۱۸- «لَمَّا» در زبان عربی معانی مختلفی دارد. یکی از معانی آن «مگر» است که یا بعد از قسم می آید و یا بعد از نفی.^{۷۱} میبدی با دقت به این نکته، آیه «ان کل لما جمیع لدنیا

محضرون»^{۷۲}، را چنین ترجمه کرده است: «و نیستند ایشان همه مگر همه بهم، نزدیک ما حاضر کردگان». ^{۷۳}

۱۹- در تفسیر آیه کریمہ: «الکم الذکر و له الانتقی تلک اذاؤ قسمة ضیزی»^{۷۴}، یک بحث لغوی می‌کند که چرا کلمه «ضیزی» بصورت مكسور الفاء آمده است. صفات در زبان عربی یا بر وزن فعلی هستند؛ مثل: حُبلی، بُشری و اُثُنی. و یا بر وزن فعلی، مثل: غصی، سکری و عطشی. صفت بر وزن فعلی وجود ندارد. ولی این وزن در اسماء وجود دارد. مثل: ذِکری و شعری. بنابراین «ضیزی» باید بر وزن فعلی می‌شد. ولی چون یاء مقابل مضموم، قلب به واو می‌شود و در صورت عدم قلب یاء به واو، تلفظ «ضیزی»، مشکل می‌آمد، استثنائً «ضیزی» تلفظ شده است. البته این مورد در جمع کلمات بر وزن فعل نیز وجود دارد. در صورتی که حرف وسط آنها «یاء» باشد. مثل: أَيْضُ و أَهْيَفُ که بِیْضُ و هِیْفُ می‌شوند.^{۷۵}

اشارة به این نکته طریف، نهایت دقت مبیدی را در تفسیر آیات می‌رساند.

۲۰- نسبت الفاظ به معانی در ادبیات عرب، از سه حال خارج نیست:

۱- الفاظ بیشتر از معانی (اطناب)

۲- الفاظ به اندازه معانی (مسایرات)

۳- الفاظ کمتر از معانی (ایجاز).

در ایجاز که الفاظ کمتر و معانی بیشتر مورد نظر است گاهی به قرینه، کلمه و گاهی کلمات و یا جملاتی، حذف می‌گردد. در تفسیر آیه شریفه: «واللائی يشن من الحیض من نسائمک ان ارتیتم فعدّهن ثلاثة أشهر و اللائی لم يحضن»^{۷۶}، به قرینه، یک جمله با خاطر ایجاز حذف گردیده است و آن «فعدّهن ثلاثة أشهر» بعد از «لم يحضن» می‌باشد.^{۷۷} صاحب کشف الاسرار، به این مورد حذف، در ترجمة آید، کاملًا عنایت داشته و چنین می‌گوید: «آن زنان که از پیری نومید گشته‌اند از حیض از زنان شما اگر در گمانید [که عدت ایشان چند است و نمی‌دانید] پس بدانید که عدت ایشان سه ماه است و آن زنان که هنوز حیض ندیدند [هم سه ماه است عدت ایشان].^{۷۸}

در بیان لازم به ذکر است که نکات ادبی و بلاغی فراوانی در تفسیر ارزشمند کشف الاسرار و عده‌الابرار تأليف ابوالفضل رشیدالدین مبیدی، وجود دارد. آنچه گفته آمد نتیجه بررسی بسیار اجمالی بود چراکه ذکر تمام نکات این تفسیر بمنزله ریختن بحر در کوزه است.

پانویسها:

۱. آل عمران: ۹۷.
۲. در ابن آیه شریفه، زمخشری «مقام ابراهیم» را عطف بیان برای آیات بینات گرفته است. حال آنکه عطف بیان نباید در تعریف و تکریر مخالف متبعش باشد. برای توضیح بیشتر ر.ک: معنی اللہیب عن کتب الاعاریب، جمال الدین ابن هشام الانصاری - الطبعه الخامسة، بیروت، ۱۹۷۹م، الباب الرابع، ص ۵۹۲
۳. بقره: ۱۸۷.
۴. ر.ک: الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دارالرشید، دمشق - بیروت، الطبعه الاولی، المجلد الاول، ص ۳۸۰.
۵. کشف الاسرار و عذۃ الابرار، ابوالفضل رشید الدین مبیدی، بمعنی و اهتمام علی اصغر حکمت، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۴۹۷.
۶. معجم البیان فی تفسیر القرآن، للشیخ أبی علی الفضل بن الحسن الطبرسی، دارالمعرفة للطباعة و النشر، انتشارات ناصر خسرو، ج ۱، ص ۵۰۵.
۷. ترجمة انگلیسی ابن آیه شریفه چنین است:
and have not contact with them while you keep to the mosques. HOLY QURAN, translated by M.H. shakkir.
۸. بقره: ۱۹.
۹. برای توضیح بیشتر ر.ک: جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع، السید احمد الهاشمی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، الطبعه الثانیة عشرة، ص ۲۹۳. و شرح المختصر، لسعد الدین الشفتازی، منشورات دارالحكمة، قم، ایران، ج ۲، ص ۶۴.
۱۰. ج ۱، ص ۸۹.
۱۱. الاصاف فی مسائل الخلاف بین التحریکین البصیرین و الکوفین، ابن الاباری، الطبعه الرابعة، ج ۱، ص ۶.
۱۲. ج ۲، ص ۹.
۱۳. آل عمران: ۱۸۱.
۱۴. ج ۲، ص ۳۵۹.
۱۵. آل عمران: ادامۃ آیۃ ۱۸۱.
۱۶. ج ۲، ص ۳۵۹.
۱۷. همان، ص ۳۶۴.
۱۸. ر.ک: شرح قطر الندى و بل الصدی، تصنیف جمال الدین بن هشام الانصاری، تألف محمد محبی الدین عبدالحید، انتشارات فیروزآبادی، الطبعه الحادیة عشرة، ص ۶۰.
۱۹. نساء: ۱۷۶.
۲۰. ج ۲، ص ۷۸۸.
۲۱. ج ۳، ص ۲.
۲۲. همان، ص ۱۴۱.
۲۳. همان، ص ۲۹.
۲۴. همان، ص ۱۰۸.
۲۵. مائده: ۱۰۹.
۲۶. ج ۳، ص ۲۶۱.

۲۷. مجتمع الامثال، العبدانی، المعاونية الثقافية للأستانة الرضوية المقدسة، الجزء الاول، ص ۵۰.
۲۸. احزاب: .۲۸
- .۲۹. انعام: .۱۰۶
- .۳۰. مائدہ: .۱۱۲
- .۳۱. ج، ۳، ص ۲۶۴
- .۳۲. همان.
- .۳۳. همان.
- .۳۴. بقره: .۲۰۱
- .۳۵. بقره: .۲۵۰
- .۳۶. آل عمران: .۸
- .۳۷. بقره: .۲۸۶
- .۳۸. اعراف: .۴۷
- .۳۹. مائدہ: .۱۱۶
- .۴۰. ج، ۳، ص ۲۷۴
- .۴۱. ترجمه انگلیسی آیه مذکور چنین است:

And when Allah will say: O Isa son of Mariun!
did you say to men, Take me and my mother for two gods besides Allah, HOLY QURAN, Translated by
M.H. shakir.

- .۴۲. ج، ۳، ص ۲۷۵
- .۴۳. ط: .۷۱
- .۴۴. لقمان: .۱۸
- .۴۵. ر.ک: جواهرالبلاغه، ص ۳۱۰
- .۴۶. انعام: .۲۷
- .۴۷. ج، ۳، ص ۳۲۹
- .۴۸. یونس: .۶۱
- .۴۹. ج، ۴، ص ۳۰۹
- .۵۰. یونس: .۶۲
- .۵۱. ج، ۴، ص ۳۰۹
- .۵۲. برای توضیح بیشتر ر.ک: جامع الدروس العربية، الشیخ مصطفی الغلابی، انتشارات ناصرخسرو، چاپ دوم، ج، ۲، ص ۲۶۲
- .۵۳. برسف: .۸۳
- .۵۴. ج، ۵، ص ۱۲۲
- .۵۵. مریم: .۱۸
- .۵۶. ج، ۶، ص ۲۷
- .۵۷. همان.
- .۵۸. ملک: .۲۰
- .۵۹. مجادله: .۲

- .٦٥. نساء: .١٥٨
 .٦٤. مريم: .٧١
 .٦٣. توبه: .١٠٨
 .٦٢. نساء: .١١٦
 .٦١. اسراء: .٥٢
 .٦٠. كهف: .٥
 .٥٩. مريم: .٢٨
 .٥٨. ج، ص ٢٥
 .٥٧. فرقان: .٧
 .٥٦. ر.ك: المعجم المفصل في النحو العربي، عزيزة فؤال بابستي، دارالكتب العلمية بيروت، الجزء الثاني، ص ٨٩٨
 .٥٥. ج، ص ٢٧
 .٥٤. ر.ك: المعجم المفصل في النحو العربي، ج ٢، ص ٨٨٨ و نيز: معنى الليب، ص ٣٧٠
 .٥٣. يس: .٣٢
 .٥٢. ج، ص ٢٢١
 .٥١. نجم: .٢٢ و ٢١
 .٥٠. ج، ص ٣٦٣ و براي توضيح بيشر ر.ك: جامع الدروس العربية، ج ٢، ص ٣٣
 .٥٠. طلاق، ٤.
 .٥٧. برای توضیح بیشر ر.ک: شرح ابن عقیل، تحقیق محمد محبی الدین عبدالحمید، انتشارات ناصرخسرو، چاپ دوم، ١٣٦٤، ج ١، ص ٢٤٦
 .٥٦. ج، ص ١٣٧